

سازوکارهای ترمیمی در قبال جرائم زیست‌محیطی در نظام عدالت کیفری ایران

فاطمه دهدار زاده^{۱*}

f.dehdar@pnu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۱۹

چکیده

جرائم زیست‌محیطی به عنوان یک پدیده مجرمانه، مستلزم پیش‌بینی تدابیر واکنشی از جانب متولیان نظام عدالت کیفری است. سازوکارهای ترمیمی به عنوان بخشی قابل اعتنا از تدابیر واکنشی و جایگاه آن‌ها در نظام عدالت کیفری، موضوعی است که کمتر از دیدگاه تحلیلی، به آن پرداخته شده است.

در این پژوهش، با رویکرد توصیفی - تحلیلی و ضمن استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، به تبیین و ارزیابی سازوکارهای ترمیمی در قبال جرائم زیست‌محیطی در نظام عدالت کیفری حال حاضر ایران پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که اگرچه در نظام عدالت کیفری حال حاضر ایران و در قبال جرائم زیست‌محیطی، سازوکارهای ترمیمی، سهمی همچون سازوکارهای کیفری و سرکوبگر ندارند، لیکن این امر، به معنای عدم توجه مطلق قانونگذار کیفری به آن‌ها نبوده و مواردی همچون میانجی‌گری زیست‌محیطی، پیش‌بینی کارکرد ترمیمی برای سازمان‌های مردم‌نهاد، محکومیت به جبران خسارت در تکمیل مجازات‌های کیفری و همچنین امکان معاضدت حقوقی به بزه‌دیدگان جرائم زیست‌محیطی، در این راستا، قابل تبیین و ارزیابی است.

علیرغم توجه نسبی قانونگذار کیفری ایران به سازوکارهای ترمیمی در قبال جرائم زیست‌محیطی، کاستی‌هایی در ارتباط با اعمال بهینه سازوکارهای مورد اشاره به چشم می‌خورند که محدودبودن مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند رسیدگی به اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی، تصویب اسامی سمن‌های مجاز به انجام وظیفه فوق توسط رییس قوه قضاییه، عدم اجباری نمودن بیمه مسئولیت محیط زیست برای مشاغل آلاینده و همچنین فقدان مقرر قانونی در خصوص صندوق‌های تأمین خسارت ویژه محیط زیست از جمله مهم‌ترین آن‌هاست.

واژه‌های کلیدی: جبران خسارت، جرائم زیست‌محیطی، سازوکار ترمیمی، معاضدت حقوقی، میانجی‌گری، نظام عدالت کیفری.

Restorative Mechanisms against Environmental Crimes in Iran's Criminal Justice System

Fatemeh dehdarzade ^{1*}

f.dehdar@pnu.ac.ir

Admission Date: August 16, 2023

Date Received: April 8, 2023

Abstract

As a criminal phenomenon, environmental crimes require provisioning reactive strategies by administrators of criminal justice system. Restorative mechanisms as a considerable part of reactive strategies and their statuses in the criminal justice system are of subjects less studied analytically.

Using descriptive-analytical methods and library data, the present research explained and evaluated restorative mechanisms against environmental crimes in the present Iranian criminal justice system.

The results showed that although in the present Iranian criminal justice system and regarding environmental crimes restorative mechanisms don't function as criminal and suppressive mechanisms, this doesn't mean that criminal legislator has ignored them altogether; in fact, some strategies can be explained and evaluated including environmental mediation, provisioning restorative function for NGOs, damages awarded by courts as some complementary for criminal punishments, and also legal assistance for the victims of environmental crimes.

Despite the fact that Iranian criminal legislator considered partially the restorative mechanisms against environmental crimes, some faults can be seen in implementing these mechanisms among which more important ones include limited intervention by NGOs in the preferring process and participating in hearings, approving by the head of the judiciary the names of NGOs authorized in performing these duties, making non-mandatory the environmental liability insurance for the future professions, lack of legal regulations on compensation funds for environment.

Keywords: Compensation Funds, Environmental Crimes, Restorative Mechanisms, Legal Assistance, Mediation, Criminal Justice System.

1- Assistant Professor Department of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran. **(Corresponding Author)*

مقدمه

ارائه تعریف جامع و مانع از محیط زیست، امری دشوار است، چراکه این مفهوم و همچنین دامنه قلمرو آن، وسیع است؛ به همین دلیل است که برخی صاحب‌نظران (۱) ادعا نموده‌اند که ارائه تعریف دقیق از محیط زیست، نه دشوار بلکه غیر ممکن است، زیرا این مفهوم از دیدگاه کشورها با توجه به اهمیتی که هر کشور به یکی از عناصر زیست‌محیطی می‌دهد، می‌تواند متفاوت باشد (۲). محیط زیست در یک تعریف (۳)، به مجموعه‌ای از شرایط اطلاق گردیده که پیرامون فرد و جامعه را احاطه نموده و محتوای آن، شامل عناصر فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی است؛ به بیان کلی‌تر، محیط زیست، محیطی است که فرآیند حیات را دربر گرفته و شامل طبیعت، محیط حول جوامع انسانی و غیر انسانی می‌باشد (۴). بر مبنای آنچه گفته شد، می‌توان جرم زیست‌محیطی را به فعل یا ترک فعلی تعریف نمود که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطراتادن جدی سلامت بشر (۵) و موجودات دیگر شده و در قانون نیز برای آن، مجازات تعیین شده باشد (۶). جرائم زیست‌محیطی، دارای رتبه چهارم فعالیت‌های غیر قانونی در جهان، بعد از جرائم مواد مخدر، جعل و قاچاق انسان هستند (۷). ناگفته پیداست که اینگونه جرائم (به مثابه یک پدیده مجرمانه) مستلزم پیش‌بینی تدابیر واکنشی مختلف از جانب متولیان نظام عدالت کیفری است که با در نظر گرفتن ماهیت تدابیر مزبور - از حیث اینکه آیا در مواجهه با جرم زیست‌محیطی، رویکرد مبتنی بر شدت عمل را پیش گرفته و یا با مد نظر قراردادن روش‌های ترمیمی، با آن به عنوان پدیده‌ای که از دل اجتماع و مناسبات آن بیرون آمده است، برخورد می‌کنند - می‌توان تدابیر مزبور را ذیل دو عنوان کلی «تدابیر سرکوبگر» و «تدابیر ترمیمی» تقسیم‌بندی و به تبیین و ارزیابی جداگانه آن‌ها پرداخت. در خصوص تدابیر نوع نخست، با توجه به اهمیتی که محیط زیست برای بقای نوع بشر داشته است و با توجه به این امر که با گذر زمان و پیشرفت تکنولوژی، خواه یا ناخواه، ارتکاب جرائم زیست‌محیطی، رشد فزاینده‌ای داشته است، لذا در محیط حقوق داخلی، یکی از

تدابیر معمول، توسل به روش‌های کیفری بوده است (۸). در ارتباط با تدابیر ترمیمی به عنوان کانون مرکزی پژوهش پیش روی نیز بایستی گفت که به موجب اینگونه تدابیر، کلیه اشخاصی که در خصوص یک جرم خاص، سهمی دارند، گرد هم می‌آیند تا به طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم گرفته و راه حلی بیابند (۹). برخی از اندیشمندان (۱۰)، تدابیر ترمیمی را به عنوان ساختار جایگزین تدابیر سرکوبگر می‌دانند و برخی دیگر (۱۱) تدابیر مزبور را در کنار تدابیر سرکوبگر و به عنوان مکمل آن، ارزیابی می‌نمایند. فارغ از این مناقشه نظری، بایستی توجه داشت که بررسی تدابیر ترمیمی (تدابیر معطوف به جبران خسارت) در ارتباط با جرائم زیست‌محیطی، از آن جهت اهمیت دارد که مرتکبین جرائم زیست‌محیطی، تنها اشخاص حقیقی نیستند، بلکه گاهی در پس لابی‌های قدرت و ثروت، جرائم زیست‌محیطی مهم را اشخاص حقوقی (اعم از مؤسسه‌ها، بنگاه‌ها و شرکت‌های قانونی، سندیکاهای مجرمانه سازمان‌یافته و همچنین دولت‌ها) نیز مرتکب می‌شوند (۱۲) و در صورت توسل صرف به سازوکارهای کیفری و سرکوبگر، اشخاص مزبور این امکان را خواهند داشت که با لابی‌گری و اعمال نفوذ در دستگاه قضایی، ضمن رهایی از ضمانت اجرای کیفری، مسئولیتی نیز در قبال آسیب‌دیدگان جرائم زیست‌محیطی نداشته باشند؛ اینجاست که ضرورت توسل به سازوکارهای ترمیمی در تکمیل سازوکارهای کیفری، بیش از پیش، آشکار می‌گردد. بر مبنای مجموع آنچه گفته شد، در این پژوهش، بر آن شدیم تا با هدف بسط مطالعات موردی در حقوق کیفری محیط زیست، با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، به تبیین و ارزیابی سازوکارهای ترمیمی در قبال جرائم زیست‌محیطی در نظام عدالت کیفری حال حاضر ایران بپردازیم. بدیهی است که پیش از پرداختن به اصل پژوهش، آشنایی با پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با آن، مفید فایده به نظر می‌رسد.

پیشینه پژوهش

در چارچوب موضوع مقاله پیش روی و مرتبط با آن، در میان پژوهش‌های انجام‌شده، آثار گراندوری به جامعه حقوقی و محیط زیستی کشور عرضه گردیده است؛ از جمله اسدزاده و همکاران (۱۴۰۱ ش.) در پژوهشی با عنوان «بررسی فرآیند عدالت ترمیمی و چالش‌های فراروی آن در جرائم محیط زیستی» با بیان اینکه در عصر حاضر، کاربرد عدالت ترمیمی در جرائم محیط زیستی بسیار مورد توجه واقع شده است، زیرا ترمیم محیط زیست، همیشه یکی از دغدغه‌های فعالان حقوقی در این زمینه بوده است، با هدف بررسی فرآیند عدالت ترمیمی در جرائم زیست‌محیطی و چالش‌هایی که در این زمینه وجود دارد، به انجام پژوهش فوق‌الاشاره پرداخته و در پایان به این نتیجه رهنمون گردیده‌اند که میزان موفقیت تدابیر مبتنی بر عدالت ترمیمی، مستلزم تقویت نهادهای مردمی و حس مسئولیت‌پذیری جمعی است. در راستای اجرای تدابیر مزبور در جرائم زیست‌محیطی، اصلی‌ترین چالش پیش رو این است که عمده جرائم زیست‌محیطی توسط دولت‌ها ارتکاب می‌یابند و از قضا، خود دولت نیز متولی جرم‌انگاری است. در این حالت، دولت، رفتارهای ناشایست خود را جرم تلقی نکرده و مانع از تحقق عدالت می‌گردد.

باباخانی (۱۴۰۰ ش.) نیز در مقاله‌ای با عنوان «جرائم محیط زیستی در سنجه عدالت ترمیمی: از سیاست‌ها تا برنامه‌ها» با بیان اینکه ماهیت خاص جرائم زیست‌محیطی که از سود بالا و ریسک کیفر کمی برخوردار می‌باشند، باعث شده است تا توسل به حقوق کیفری نتواند کاهش قابل توجهی در نرخ این جرائم ایجاد کند، در ادامه به این نتیجه رهنمون می‌گردد که عدالت کیفری، به تنهایی توان پاسخی کارآمد به اینگونه جرائم را ندارد، در حالی که رویکرد عدالت ترمیمی نسبت به جرائم زیست‌محیطی، دو مزیت اصلی می‌تواند داشته باشد؛ از یکسو اجازه می‌دهد تا ماهیت چند بُعدی بی‌عدالتی‌های زیست‌محیطی را در نظر گرفت و بر طیف گسترده‌ای از نیازهای بزه‌دیدگان «غیر انسان» تمرکز کرد. از سوی دیگر، فرآیند و برنامه‌های ترمیمی، امکان پیشگیری از تکرار جرم و خسارات به محیط زیست در آینده را نیز فراهم می‌کنند.

همچنین حاجی قاسمی اردبیلی و میلانی (۱۴۰۰ ش.) در مقاله‌ای با عنوان «تأملی بر سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران نسبت به جرائم زیست‌محیطی در پرتو آموزه‌های فقه امامیه» کوشیده‌اند با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن تعیین رویکرد فقه امامیه و نظام عدالت کیفری ایران نسبت به جرائم زیست‌محیطی، به تبیین نقاط ضعف و قوت هر دو حوزه فقهی و حقوقی و ارائه راهکارهایی برای بهبود و اصلاح آن‌ها بپردازند. نویسندگان در پایان، به این نتیجه رهنمون گردیده‌اند که جرم‌انگاری افتراقی جرائم زیست‌محیطی و پیش‌بینی کنش‌های غیر کیفری (از جمله تدابیر ترمیمی) و واکنش‌های کیفری در کنار هم، می‌تواند در برخورد و پیشگیری از جرائم زیست‌محیطی و در راه رسیدن به اهداف قوانین کیفری مفید واقع شوند.

فلک‌الدین و همکاران (۱۴۰۰ ش.) نیز در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در حوزه جرائم زیست‌محیطی؛ گامی به سوی تغییر لنزها در جهت پیشگیری و ترمیم ضررهای زیستی» ضمن اشاره به اینکه ضررها و جرائم علیه محیط زیست، از جهت قربانیان گسترده خویش، نیاز مبرمی به عدالت ترمیمی دارد و در حقوق کیفری ایران نیز قوانین متعددی در زمینه حمایت از محیط زیست به تصویب رسیده که دارای رویکردهای ترمیمی هستند. با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، مقررهای ترمیمی راجع به جرائم زیست‌محیطی را مورد تحلیل قرار داده و در پایان، به این رهیافت نائل گردیده‌اند که در بستر قوانین مختلف، شیوه‌هایی از عدالت ترمیمی وجود دارند که در خصوص ضررهای زیستی، نیز قابلیت تحقق دارند.

در نهایت، فرید و روزبه (۱۳۹۵ ش.) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست جنایی اسلام در قبال جرائم زیست‌محیطی»، با بیان اینکه حفظ محیط زیست، پاسخ به یکی از نیازهای امروز جامعه برای نگاهداری بیشتر از محیط زیست و رعایت حقوق عمومی است و تخریب محیط زیست، معلول نابرابری‌های اجتماعی و استفاده‌های غلط از طبیعت و یکی از عوامل تضییع حقوق انسان‌هاست، به بررسی سیاست جنایی اسلام در قبال جرائم زیست‌محیطی پرداخته و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که

رفتارهای زیست‌محیطی است. علاوه بر این، در خصوص برخی از جرائم زیست‌محیطی، بهترین شیوه، برگزاری میانجی‌گری است. به عنوان مثال، در جرائم علیه حیات وحش، بزه‌دیده‌ای که بتوان رضایت او را گرفت، وجود ندارد، اما از طرف دیگر، باید به این نکته نیز توجه داشت که سازوکارهای سنتی نظام عدالت کیفری، نتوانسته‌اند از ارتکاب این دسته از جرائم، پیشگیری به عمل آورند. از این رو در اینجا می‌توان بین بزه‌کاران حیات وحش و نمایندگان جامعه (همانند سازمان حفاظت محیط زیست)، میانجی‌گری سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) سبز را در نظر گرفت (۱۵). قانونگذار ایرانی در قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲ ش.)، با آگاهی از مزایا و آثار میانجی‌گری بالاخص در حیطه جرائم زیست‌محیطی، در قسمتی از ماده ۸۲ اینگونه مقرر داشته است «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است... مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به ... شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد...». همانگونه که ملاحظه می‌شود، بر مبنای مقرر فوق، در جرائم زیست‌محیطی سازمان‌یافته، به دلیل اینکه مجازاتشان، قابل تعلیق نیست، امکان ارجاع به میانجی‌گری وجود ندارد.

پیش‌بینی کارکرد ترمیمی برای سازمان‌های مردم‌نهاد

در دوران معاصر، رشد روزافزون پدیده مجرمانه همراه با ظهور اشکال و حجم‌های نوین و متنوع بزه و بزه‌کاری، بحران ناتوانی، ناکارآمدی و عدم موفقیت نظام عدالت کیفری در به کارگیری صرف ضمانت اجرای کیفری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزه‌کاری و اصلاح بزه‌کاران، لزوم افزایش و تقویت عملکرد برنامه‌های سیاست جنایی و سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جرم‌شناختی، باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های سیاست جنایی شده است (۱۶). در خصوص موضوع مورد بحث مقاله، از آنجا که محیط زیست، کالایی عمومی است، بایستی پذیرفت که برای حفظ آن نیز به مداخله عموم نیازمندیم (۱۷). اعطای سمت به شهروندان و به ویژه سازمان‌ها و انجمن‌های غیر دولتی در طرح دعاوی منفعت عمومی یکی از کارآمدترین شیوه‌های مشارکت

می‌توان با تدوین قواعد و مقررات داخلی و بین‌المللی و تأسیس نهادهای قضایی اختصاصی رسیدگی‌کننده به مسائل زیست‌محیطی و الهام‌پذیری از آموزه‌های اسلامی، اقدام مناسبی در جهت سیاست جنایی زیست‌محیطی انجام داد. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های اشاره شده که جنبه نوآورانه آن نیز می‌باشد، تبیین و ارزیابی سازوکارهای ترمیمی در قبال جرائم زیست‌محیطی در درون نظام عدالت کیفری حال حاضر ایران و صرف نظر از مباحث مرتبط با حقوق مدنی و مسئولیت مدنی می‌باشد.

میانجی‌گری زیست‌محیطی

میانجی‌گری، یکی از اصطلاحات رایج در مدیریت تعارض است که ممکن است توسط یک فرد، گروه یا نهاد، به صورت رسمی یا غیر رسمی انجام شود. میانجی‌گری، با این هدف انجام می‌شود که بحث، درگیری، تعارض و اختلاف نظر، به مقامات بالاتر سازمان، محکمه و... کشیده نشده و مشکلات در پایین‌ترین سطح ممکن، حل شوند. در میانجی‌گری، در نهایت، تعارض و اختلاف نظر، توسط طرفین درگیر حل شده و فرد، گروه یا سازمان میانجی، صرفاً می‌کوشد این فرآیند را تسهیل نماید. در میانجی‌گری کیفری، فضایی ایجاد می‌شود که بزه‌دیده و بزه‌کار بتوانند به صورت رو در رو، بدون هرگونه فشار و اعمال نظر نظام عدالت کیفری، با یکدیگر گفتگو نمایند (۱۳). در خصوص میانجی‌گری، بر اساس بند «ث» آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری (مصوب ۱۳۹۴/۹/۸ رییس قوه قضاییه): «میانجی‌گری، مجموعه اقداماتی است که طی آن، با مدیریت میانجی‌گر و با حضور بزه‌دیده و متهم و در صورت ضرورت سایر اشخاص مؤثر در حصول سازش از قبیل اعضای خانواده، دوستان یا همکاران آن‌ها و نیز حسب مورد اعضای جامعه محلی، نهادهای ذیربط رسمی، عمومی و یا مردم‌نهاد، برای حل و فصل اختلاف کیفری با یکدیگر به گفتگو و تبادل نظر پرداخته، در صورت حصول توافق، موافقت‌نامه‌ای را تنظیم و برای مقام قضایی مربوط ارسال می‌شود.» در عرضه محیط زیست به طور خاص، نتایج برخی پژوهش‌ها (۱۴) حاکی از آن است که میانجی‌گری، دارای تأثیر بر میزان مسئولیت‌پذیری در

مردمی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و اجرای کارآمد حقوق محیط زیست و تحقق محیط زیست سالم است (۱۸). در این راستا، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را می‌توان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های سازوکارهای ترمیمی در نظام عدالت کیفری شکلی حال حاضر ایران برشمرد که مقرر داشته است: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از ... محیط زیست ... است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق، اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند»، بدین ترتیب سازمان‌های مردم‌نهاد، حق اعلام جرم (نه شکایت)، حق معرفی نماینده جهت حضور در دادسرا و دادگاه و دریافت احضاریه را دارند. شاید در ابتدای امر، این مهم به ذهن متبادر شود که از ماده ۶۶ مزبور، نمی‌توان عدالت ترمیمی را استنباط نمود، در حالی که این سمن‌ها، می‌توانند با برگزاری جلسات گروهی ترمیمی، گام‌های مؤثری را در جهت تحقق عدالت ترمیمی سبز ایفا نمایند (۱۹). با وجود مقرر مزبور، سازمان‌های مردم‌نهاد (از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در عرصه محیط زیست)، با موانع مهمی در عرصه مشارکت در فرآیند کیفری رو به رو هستند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از فقدان بسترهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی لازم در کشور به منظور مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در فرآیند کیفری، فقدان قانون جامع حاکم بر فعالیت سمن‌ها و نظارت بر آن‌ها، عدم تعیین ضابطه و ملاک ارزیابی سازمان‌های مردم‌نهاد برای مداخله در فرآیند کیفری و همچنین محدودبودن مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند رسیدگی به اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی (۱۵) که مورد آخر، انگیزه مداخله آن‌ها را به حداقل رسانده است. به عبارت دیگر، مفاد ماده ۶۶، رسالت دادخواهی سمن‌ها را در حد تماشاگر فرآیند دادرسی کاهش داده است. علاوه بر این، تبصره ۳ ماده ۶۶ نیز برخلاف قانون اساسی، شرطی غیر قابل توجیه (تصویب اسامی سمن‌ها توسط رییس قوه قضاییه) را در روند دادخواهی آن‌ها ایجاد نموده است.

محکومیت به جبران خسارت در تکمیل مجازات‌های کیفری

جبران خسارت، عملی از سنخ ترمیم است که با پرداخت مبلغی پول یا غرامت به واسطه طرح دعوی و صدور حکم به نفع خواهان، قابل مطالبه و دریافت است (۲۰). هدف جبران خسارت، برآورده ساختن انتظارات زیان‌دیده است. بنابراین جبران خسارت از جانب عامل زیان بایستی به گونه‌ای باشد که زیان‌دیده را در وضعیت عدم زیان قرار دهد (۲۱). در همین راستا، در قوانین کیفری مرتبط با مقوله محیط زیست، بارها این موضوع به چشم می‌خورد که قانونگذار ایرانی در تکمیل مجازات اصلی مورد حکم یا در کنار آن، جبران خسارت ناشی از اعمال و رویه‌های مخل محیط زیست را نیز مقرر نموده است. به عنوان نمونه به موجب ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵ ش.): «هر کس درختان موضوع ماده ۱ قانون گسترش فضای سبز را عملاً عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد، «علاوه بر جبران خسارت وارده» حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.» مطابق ماده ۱۹ قانون مدیریت پسماندها (مصوب ۱۳۸۳ ش.) نیز: «در تمام جرائم ارتكابی مذکور، مرجع قضایی مرتکبین را علاوه بر پرداخت جریمه به نفع صندوق دولت، به «پرداخت خسارت به اشخاص و یا جبران خسارت وارده» بنا به درخواست دستگاه مسئول محکوم خواهد نمود.» همچنین در بند چهارم سیاست‌های کلی محیط زیست (مصوب ۱۳۹۴ ش.)، «پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیر مجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط زیست «و الزام آنان به جبران خسارت» از محورهای اساسی سیاست‌های محیط زیستی بیان شده است. در نهایت، به موجب تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون هوای پاک (مصوب ۱۳۹۶ ش.): «متخلفان از مصوبات و تصمیمات سازمان و کمیسیون (در صورت بررسی در کمیسیون) ضمن پرداخت جریمه رفع آلاینده‌گی، مکلف به «جبران خسارت وارده» می‌باشند.» نکته‌ای که در ارتباط با جبران خسارت، بایستی به آن توجه داشت، این است که با توجه به عدم کفایت سازوکارهای مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر به منظور جبران خسارت ناشی از آسیب‌های

توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد، به تشخیص دادستان یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی می‌کند، از پرداخت هزینه شکایت معاف می‌شود و هرگاه مدعی خصوصی، توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه می‌تواند او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به طور موقت معاف نماید. رسیدگی به امر کیفری را نمی‌توان به علت عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تأخیر انداخت. در خصوص ماده ۳۸، نزدیک‌تر به صواب بود که قانونگذار، الزام مزبور را در سایر مراحل رسیدگی کیفری (بالاخص مرحله تعقیب جرم و تحقیقات مقدماتی) نیز مقرر می‌داشت، اگرچه که این موضوع، از بدیهیات یک دادرسی منصفانه است. موضوع دیگر که در اینجا، قابل ذکر به نظر می‌رسد، نقش غیر قابل انکار سازمان‌های مردم‌نهاد در این راستاست. به عبارت دیگر، ارائه خدمات مشاوره‌ای و سایر معاضدت‌های حقوقی به بزه‌دیدگان و قربانیان جرائم زیست‌محیطی، جز در سایه فراهم‌نمودن امکان فعالیت قانونی و گسترده برای سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط، ممکن نیست که همانگونه که پیش‌تر نیز گفته شد، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه دارای کاستی‌هایی است.

بحث و نتیجه‌گیری

جرم زیست‌محیطی، فعل یا ترک فعلی است که موجب آسیب شدید به محیط زیست و به خطراتدان جدی سلامت بشر و موجودات دیگر شده و در قانون نیز برای آن، کیفر مقرر گردیده باشد. اینگونه جرائم، مستلزم پیش‌بینی تدابیر واکنشی مختلف از جانب متولیان نظام عدالت کیفری هستند که تدابیر مزبور ذیل دو عنوان کلی «تدابیر سرکوبگر» و «تدابیر ترمیمی» می‌گنجند. تبیین و ارزیابی سازوکارهای ترمیمی در قبال جرائم زیست‌محیطی در نظام عدالت کیفری حال حاضر ایران، موضوعی بود که در این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، به آن پرداخته شد. یافته‌های پژوهش، مؤید آن است که اگرچه در نظام عدالت کیفری حال حاضر ایران و در قبال جرائم زیست‌محیطی، نقش سازوکارهای ترمیمی، همچون سازوکارهای کیفری و سرکوبگر پررنگ نیست،

زیست‌محیطی و لزوم روی آوردن به سازوکارهای مبتنی بر مسئولیت مدنی محض، مؤلفه‌هایی همچون بیمه مسئولیت محیط زیست و صندوق تأمین خسارت محیط زیست در این راستا، می‌توانند مفید فایده واقع گردند. در نظام حقوقی حال حاضر ایران، عدم اجباری نمودن بیمه مسئولیت محیط زیست برای مشاغل آلاینده و همچنین فقدان مقرر قانونی در خصوص صندوق‌های تأمین خسارت ویژه محیط زیست، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کارآمدی به منظور جبران خسارت ناشی از آسیب‌های زیست‌محیطی است (۲۲).

معاضدت حقوقی به بزه‌دیدگان جرائم زیست‌محیطی

یکی از مهم‌ترین مصادیق تدابیر ترمیمی در نظام عدالت کیفری حال حاضر ایران، ارائه معاضدت‌ها و تسهیلات قضایی به شکات و بزه‌دیدگان همه جرائم، از جمله جرائم زیست‌محیطی است. مقصود از معاضدت قضایی، مساعدت و یاری‌رساندن به کسانی است که به واسطه عدم کفایت داری یا عدم دسترسی به مال خود، قدرت پرداخت هزینه دادرسی و حق‌الوکاله را ندارند و در نتیجه نمی‌توانند به مراجع قضایی رفته و حق خود را بگیرند. در نظام حقوقی ایران، شخصی می‌تواند از معاضدت قضایی بهره‌مند شود که معسر باشد (یعنی قادر به پرداخت هزینه دادرسی و حق‌الوکاله نباشد) و مراد از آن، تأمین استفاده مؤثر مردم از دستگاه قضایی است. این طرز فکر در قوانین کشورهای اروپایی و آمریکا رسوخ پیدا کرده و مقررات معاضدت را تغییر داده است، مثلاً در کشور فرانسه شماره ۷۲/۱۱ مورخ ۲ ژانویه ۱۹۷۲ با تغییر مفهوم معاضدت قضایی، ابتکار قابل توجهی در طرز استفاده مردم از دستگاه قضایی به خرج داد؛ به این معنی که عنوان معاضدت قضایی سابق را رها ساخته و به جای آن، Judiciaire Aide را به کار می‌برند که بیشتر معطوف به تعاون قضایی است نه مساعدت به بینوایان (۲۳). در نظام عدالت کیفری ایران، به موجب ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲ ش.۰): «ضابطان دادگستری مکلفند شاکي را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند.» همچنین به موجب ماده ۵۵۹: «... چنانچه شاکي،

وضع نمود تا به وسیله آن بتوان به موازات اقدامات کیفری ساز و کارهای ترمیمی موثر را پیگیری کرد. با این وصف می‌توان اذعان نمود که با وجود آنکه حمایت از جرائم زیست‌محیطی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با قیود محتاطانه‌ای، پیش بینی شده است، اما مهم‌ترین پاسخ ترمیمی، اعاده وضعیت به قبل از وقوع ضرر است؛ که متأسفانه در این مورد الزامات قانونی و آئین‌نامه‌ای کافی وجود ندارد.

References

1. Taghizadeh Ansari, M., (1997), Criminal Laws of the Environment, 1st ed, Tehran: Qom Publishing House, p.14. (In Persian)
2. Hosseini, SM., and Mohammadi, M., (2016), Study of Human Rights on the Environment, Bi-Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies, Vol.6, No.12, pp.127-151. (In Persian)
3. Mashhadi, A., (2016), Mahsha Collection of Environmental Laws and Regulations, 1st ed, Tehran: Khorsandi Publications, Vol.1, p.29. (In Persian)
4. Allah Dadi, I., Akbari, GH-A., and Yazdani, F., (2007), Dictionary of Environmental Words and Terms, 1st ed, Tehran: Jihad Academic Publications, p.74. (In Persian)
5. Kashkulian, E., Shaikhul-Islami, A., and Naqvi, M., (2018), Environmental crimes and strategies to prevent them, Journal of Ethical Ethics, Vol.9, No.32, pp.101-110. (In Persian)
6. Kashkulian, E., and Shaikhul-Islami, A., (2022), Judicial challenges of dealing with environmental crimes in Iran's criminal law, Civilization Quarterly, Vol.5, No.10, pp.115-135. (In Persian)
7. Babakhani, E., (2018), Organized environmental crimes with an emphasis on French law, Detective

لیکن سازوکارهایی همچون میانجی‌گری زیست‌محیطی، پیش‌بینی کارکرد ترمیمی برای سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در محیط زیست، محکومیت به جبران خسارت در تکمیل مجازات‌های کیفری و همچنین امکان معاضدت حقوقی به بزه‌دیدگان جرائم زیست‌محیطی، در این راستا مورد توجه قانونگذار کیفری ایران واقع گردیده‌اند. با این وجود، کاستی‌هایی همچون محدودیت مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند رسیدگی به اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی، تصویب اسامی سمن‌های مجاز به انجام وظیفه فوق توسط رییس قوه قضاییه، عدم اجباری نمودن بیمه مسئولیت محیط زیست برای مشاغل آلاینده و همچنین فقدان مقرر قانونی در خصوص صندوق‌های تأمین خسارت ویژه محیط زیست، موفقیت و کارآمدی اعمال سازوکارهای مزبور را با هاله‌ای از تردید مواجه نموده است.

باید توجه نمود که تدابیر ترمیمی باید در راستای عدالت ترمیمی قدم بگذارند؛ یعنی هدف عدالت ترمیمی در جرائم محیط زیستی اعاده وضع به حال سابق یا جبران خسارت است. این تدابیر در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری بازتاب یافته است. مطابق با این مقرر، سازمان‌های مردم‌نهاد نش مهمی را در راستای «اعلام جرم» بازی می‌کنند و حتی قانون به آنها این اجازه را داده که در فرآیند دادرسی کیفری زیست محیطی نزد مراجع قضایی «حاضر» باشند و این خود گام مهم اما «محدود» در جهت عدالت ترمیمی سبز قلمداد می‌شود. البته قانونگذار در راستای تحقق عدالت ترمیمی در جرائم زیست محیطی در تکمیل مجازات اصلی مورد حکم یا در کنار آن، جبران خسارت ناشی از اعمال و رویه‌های مخل محیط زیست را نیز مقرر نموده است. به عنوان نمونه می‌توان به ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵ ش.) و ماده ۱۹ قانون مدیریت پسماندها (مصوب ۱۳۸۳ ش.) اشاره نمود. با وجود مقررهای اشاره شده، اجرایی نمودن برنامه‌های ترمیمی در جرائم محیط زیستی نیازمند یک «راه‌حل جامع» است که مطابق با آن بتوان مثلث عدالت ترمیمی یعنی منافع جامعه، منافع بزه‌دیده و مجرم را تامین نمود. بنابراین، باید به «مشارکت فعال» این سه دسته از افراد در فرآیند ترمیمی در قالب قانونگذاری مقررات شفاف‌تری

- crimes; A step towards changing lenses in order to prevent and repair biological damages, *Journal of Bioethics*, Vol.11, No.36, pp.1-18. (In Persian)
16. Shia Ali, A., Zare, V., and Zare, M., (2015), The position of reactive participatory criminal policy in the criminal prosecution stage in Iranian law, *Criminal Law and Criminology Quarterly*, Vol.2, No.4-5, pp.287-310. (In Persian)
 17. Ramezani Qawamabadi, MH., and Javadmanesh, J., (2015), Comparative study of the scope of the concept of beneficiary in environmental litigation in Iranian and European Union law, *Public Law Studies Quarterly*, Vol.46, No.4, pp.977-1001. (In Persian)
 18. Jam, F., (2008), Access to environmental justice: An exploration of the theory of position and the filing of public interest lawsuits in the United States of America, *Journal of Constitutional Law*, Vol.7, No.9, pp.81-96. (In Persian)
 19. Vorwai, A., Mohammadi, H., and Noorian, A., (2015), Participation of non-governmental organizations in criminal Procedure, *Journal of Law and Politics*, Vol.12, No.2 (28 consecutive), pp.27-43. (In Persian)
 20. Boyd, J., and Ingberman, DE., (1995), Do Punitive Damages Deterrence?, Working Paper No.BLE-95-08, Business Law & Economics Center of Washington University.
 21. Virgo, G., (2006), *The Principles of the Law of Restitution*, 2nd ed, Oxford: Oxford University Press.
 22. Jalali, H., (2022), Analyzing the Mechanisms of Civil Liability for Compensating Environmental Quarterly, Vol.13, No.49, pp.28-50. (In Persian)
 8. Asadzadeh, S., Ahadi, F., and Kanjuri, M., (2022), Examination of the restorative justice process and its challenges in environmental crimes, *Legal Civilization Quarterly*, Vol.5, No.11, pp.337-353. (In Persian)
 9. Gholami, H., (2017), *Adalat al-Shammani*, 7th ed, Tehran: Samit Publications, p.9. (In Persian)
 10. Zehr, H., (2013), *The Little Book of Restorative Justice*, Translated by Gholami, H., 1st ed, Tehran: Majd Publications, p.19. (In Persian)
 11. Shiri, A., (2017), The right of the victim in determining the punishment and how to implement it, *Judicial Law Perspectives Quarterly*, Vol.23, No.81, pp.77-105. (In Persian)
 12. Gorji Fard, HR., (2013), *Green Criminology and Environmental Crimes*, Master's Thesis of Environmental Law, Tehran: Shahid Beheshti University, Faculty of Law and Political Science, p.123. (In Persian)
 13. Ahmadi, L., (2014), *Mediation an Effective Method for Applying Restorative Justice*, *Social Work Mag*, Vol.3, No.1, pp.44-51. (In Persian)
 14. Mirfardi, A., Heydari, A., and Demsaz, T., (2017), Study the effect of responsibility on the environmental behavior by media mediating (Case study: Ahvaz), *Environmental Education and Sustainable Development*, Vol.6, No.1, pp.55-68. (In Persian)
 15. Falakuddin, A., Ghasemi, M., and Nosrati, Y., (2021), Introduction to the application of restorative justice doctrines in the field of environmental

public rights in the light of Article 50 of the Constitution, Master's thesis in criminal law and criminology, Islamic Azad University, Naraq Branch, p.96. (In Persian)

- Damages, Human and Environment Quarterly, Vol.20, No.4, pp.231-240. (In Persian)
23. Zikriarii Chafi, A., (2016), The role of the judicial system in protecting environmental rights and restoring